

آیا آیه «بلاغ» شامل تمام آنچه بر پیامبر (ص) نازل شده، می‌شود یا اختصاص به تبلیغ ولایت امیر مؤمنان (ع) دارد؟

سؤال کننده : فاطمه موسوی

پاسخ :

مقدمه :

خداوند در سوره مبارکه 67 سوره مائده می‌فرماید :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ .

ای پیامبر ! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای .

و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد . آری ، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند .

شیعیان معتقد هستند که این آیه کریمه بعد از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه وآله از حجه الوداع نازل شده و به آن حضرت دستور داده شده است که خلیفه و جانشین بعد از خودش را تعیین نماید . رسول خدا نیز بعد از نزول آیه در منطقه غدیر خم امیر مؤمنان علیه السلام را به جانشینی خود معرفی و صحابه نیز بعد از آن با علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان بیعت کرده و به آن حضرت تبریک گفتند .

از آن جایی که این آیه اهمیت فراوانی دارد ، مخالفان ولایت اهل بیت علیهم السلام نیز تلاش‌های زیادی کرده‌اند تا در دلالت آن بر ولایت امیر مؤمنان خدشه وارد نمایند و به این منظور شبهات فراوانی را مطرح کرده‌اند . از جمله ابن تیمیه حرانی در منهاج السنه شبهاتی را مطرح کرده است که ما یکی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم .

وی در منهاج السنه می‌نویسد :

أنتم ادعيتكم أنكم أثبتم بالقرآن و القرآن ليس في ظاهره ما يدل على ذلك أصلاً فانه قال «بلغ ما أنزل إليك من ربك»

و هذا اللفظ عام في جميع ما أنزل إليه من ربه لا يدل على شيء معين .

فدعوى المدعى أن إمامة على هي ممّا بلغها أو ممّا أمر بتبليغها لا تثبت بمجرد القرآن فان القرآن ليس فيه دلالة

على شيء معين فان ثبت ذلك بالنقل كان ذلك إثباتاً بالفبر لا بالقران فمن ادعى أن القرآن يدل على أن إمارة على

مما أمر بتبليغها فقد افترى على القرآن فالقران لا يدل على ذلك عموماً و لا خصوصاً .

شما ادعا می‌کنید که می‌توانید [ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را] با قرآن ثابت کنید ؛ در حالی که ظاهر قرآن

بر آن چه که شما ادعا می‌کنید ، هیچ دلالتی ندارد ؛ زیرا خداوند فرموده است : «آنچه را که خداوند به تو نازل کرده است ، ابلاغ کن» و این جمله عام است و شامل تمام آن چه پروردگار بر پیامبرش نازل کرده می‌شود و بر امر معینی دلالت ندارد .

بنابراین ، ادعای شما که می‌گویید : پیامبر امامت علی علیه السلام را تبلیغ کرده و یا مأمور به تبلیغ آن بوده است ، با آیات قرآن به تنهایی ثابت نمی‌شود ؛ زیرا این آیه بر چیز معینی دلالت نمی‌کند .

و اگر بخواهید این مطلب را به کمک سنت ثابت کنید ، با سنت ثابت کرده‌اید ، نه با قرآن ؛ پس اگر کسی ادعا کند : در قرآن آیه‌ای هست که دلالت می‌کند ، پیامبر مأمور بوده که امارت علی علیه السلام را تبلیغ کنید ، به قرآن افترا زده است ؛ در نتیجه قرآن ؛ چه به صورت عام و چه به صورت خاص هیچگونه دلالتی بر این مطلب ندارد .

منهاج السنة النبویة ، أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرائي أبو العباس (متوفى 728 هـ) ج 7 ، ص 47 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم .

محورهای شبهه :

1. آیه بلاغ شامل تمام آن چه که بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده می‌شود و اختصاص به ابلاغ ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ندارد ؛
2. بر فرض که این آیه در این مورد معین نازل شده باشد ، باید این مطلب به کمک سنت ثابت شود ؛ پس این ادعای شیعه که می‌گویند امامت امام علی علیه السلام با قرآن ثابت می‌شود ، مردود است .

پاسخ محور اول :

نقش شأن نزول در فهم آیات قرآن

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و حتی خود ابن تیمیه ، بر این مطلب تصریح کرده‌اند که سبب نزول آیه ، نقش تعیین کننده‌ای در فهم و تفسیر آیات قرآن دارد ؛ از این رو ، فوائد ضروری و مهمی را برای شأن نزول آیات برشمرده‌اند .
زرکشی در باره لزوم شناخت اسباب نزول و فوائد آن می‌گوید :

ومنها : الوقوف على المعنى قال الشيخ أبو الفتح القشيري بيان سبب النزول طريق قوي في فهم معاني الكتاب

العزیز وهو أمر تحصل للصمابة بقرائن تمتف بالقضايا .

البرهان فی علوم القرآن ، محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشى أبو عبد الله (متوفای 794 هـ) ج 1 ، ص 22 ،
ناشر : دار المعرفة - بیروت - 1391 ، تحقیق : محمد أبو الفضل إبراهيم .

یکی از فوائد شأن نزول ، آگاهی از معنای آیه است . شیخ قشیری گفته است : بیان سبب نزول آیه ، راهی قوی در
فهم معنای قرآن است ، و این چیزی است که برای مصابه با آگاهی از قرائن نهفته در قضایا حاصل شده است .

از همه جالبتر این که شخص ابن تیمیه در این باره می گوید :

ومعرفة سبب النزول يعين على فهم الآية فإن العلم بالسبب يورث العلم بالمسبب .

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس (متوفای 728 هـ) ج 13 ، ص 339 ،
ناشر : مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی .

شناخت سبب نزول ، به فهمیدن معنای آیه کمک می کند ؛ زیرا شناخت سبب ، زمینه آگاهی از مسبب را فراهم می نماید .

عناد با امیر المؤمنین علیه السلام باعث شده است که ابن تیمیه ، قاعده ای را که خود در جای دیگر طرح کرده ، انکار نماید .

و جلال الدین سیوطی در لباب النقول می گوید :

لمعرفة أسباب النزول وفائدة وأفظاً من قال لا فائدة له لجريانه مجرى التاريخ ومن فوائده الوقوف على المعنى أو

إزالة الإشكال قال الوامد لا يمكن معرفة تفسير الآية دون الوقوف على قصتها وبيان سبب نزولها وقال ابن

دقيق العيد بيان سبب النزول طريق قوى فى فهم معانى القرآن وقال ابن تیمیه معرفة سبب النزول يعين على

فهم الآية فإن العلم بالسبب يورث العلم بالمسبب وقد أشكل على جماعة من السلف معانى آيات متى وقفوا

على أسباب نزولها فزال عنهم الإشكال .

شناخت أسباب نزول ، فایده های زیادی دارد ، و کسی که می گوید : فایده ای ندارد ، چون سبب نزول اتفاق افتادن

آن در گذشته تاریخ است ، به خطا رفته است .

یکی از فایده های آن ، دانستن معنای آیه و از بین بردن اشکال در آن است . وامدی گفته است : شناخت تفسیر

آیه ، بدون آگاهی از داستان و سبب نزول آن امکان پذیر نیست و ابن دقیق العيد گفته : بیان سبب نزول ، راهی

قوی در فهم معنای قرآن است .

و ابن تیمیه گفته : شناخت سبب نزول ، به فهمیدن معنای آیه کمک می کند ؛ زیرا شناخت سبب ، زمینه

آگاهی از مسبب را فراهم می نماید . برای بسیاری از گذشتگان دانستن معنای آیه مشکل ساز شد که با

شناخت أسباب نزول آن ، برطرف شده بود .

لباب النقول فی أسباب النزول، عبد الرحمن بن أبی بکر بن محمد السیوطی (متوفای 911، ج 1، ص 13،

ناشر: دار إحياء العلوم - بیروت .

و در کتاب الإیتقان بعد از نقل سخن ابن تیمیه و این که عدم شناخت شأن نزول آیات برای برخی از صحابه مشکلاتی آفریده بود، می‌گوید:

وقد أشكل على مروان بن الحكم معنى قوله تعالى « لا تمسبن الذين يفرمون بما أتوا » الآية وقال لئن كان كل امرئ فرح بما أوتى وأمب أن يمدد بما لم يفعل معذبا لعذبن أجمعون متى بين له ابن عباس أن الآية نزلت في أهل الكتاب مین سألهم النبی صلی الله علیه وسلم عن شيء فکتموه إياه وأخبروه بغیره وأروه أنهم أخبروه بما سألهم عنه واستمدوا بذلك إليه أفرجه الشيفان .

مروان بن مکم در معنای این سخن فداوند که فرمود: « لا تَمَسِّنَنَّ الَّذِينَ يَفْرَمُونَ بِمَا أَتَوْا... » دچار اشتباه شده بود و می‌گفت: اگر قرار باشد هر کسی را به خاطر فوشمال شدنش در برابر آنچه به وی داده شده و یا دوست دارد به خاطر کاری که انجام نداده مورد ستایش قرار گیرد، عذاب شود، باید تمام مردم عذاب شوند. تا این که ابن عباس برای او توضیح داد که این آیه در حق اهل کتاب نازل شده است؛ چون رسول خدا از آن‌ها در باره چیزی سؤال کرد و آن‌ها در جواب چیز دیگری گفتند و به این جهت فوشمال شدند....

ومکی عن عثمان بن مظعون وعمرو بن معدی کرب أنهما كانا يقولان الفمر مباحةً ويمتجان بقوله تعالى « ليس على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طعموا » الآية ولو علما سبب نزولها لم يقولوا ذلك وهو أن ناسا قالوا لما مرمت الفمر كيف بمن قتلوا في سبيل الله وماتوا وكانوا يشربون الفمر وهي ريس فنزلت أفرجه أمد والنسائي وغيرهما .

از عثمان بن مظعون و عمرو بن معدی کرب نقل شده است، می‌گفتند: فمر مباح است و به این آیه امتحان می‌کردند: « بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست » اگر آن دو نفر سبب نزول آیه را می‌دانستند، این سخن را نمی‌گفتند و آن شأن نزول این بود که برخی از مردم گفتند: اگر فمر مباح شده، وضعیت کسانی که در راه فداوند جهاد کرده و از دنیا رفته‌اند؛ در حالی که شراب نجس نوشیده‌اند، چه می‌شود؟ فداوند این آیه را نازل کرد. این روایت را احمد و نسائی و دیگران نقل کرده‌اند.

الإیتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبد الرحمن السیوطی (متوفای 911/5/19 هـ، ج 1، ص 88،

ناشر: دار الفكر - لبنان - 1416 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: سعید المنذوب .

تمسک به قرآن بدون سنت گمراهی است :

یکی از وظایف رسول خدا صلی الله علیه وآله ، تبیین و تفسیر قرآن کریم است ؛ چنانچه خداوند در 44 سوره نحل می فرماید :

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ .

و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم ، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی ،

و امید که آنان بیندیشند .

این آیه دلالت می کند بر این که سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله برای همه مسلمانان در تفسیر و تبیین قرآن مجید حجت است و مردم وظیفه دارند که قبل از تفسیر قرآن به روایات و سنت آن حضرت مراجعه و حقیقت تفسیر قرآن را از آن حضرت بیاموزند .
بنابراین فهم و تفسیر قرآن بدون مراجعه به سنت رسول خدا امری ناممکن . خطیب بغدادی ، دانشمند شهیر سنی مذهب در کتاب الکفایه فی علم الروایه روایاتی در این باره نقل کرده است که به چند نمونه از آن اشاره می کنیم :

ثنا الأوزاعي عن محمول قال القرآن أموهج إلى السنة من السنة إلى القرآن قال وقال يمي بن أبي كثير السنة قاضية على الكتاب ليس الكتاب قاضيا على السنة

الأوزاعي عن مسان بن عطية قال كان جبرائيل ينزل على النبي صلى الله عليه وسلم بالقرآن والسنة تفسر القرآن ...
عن المسن ان عمران بن حصين كان جالسا ومعه أصمابه فقال رجل من القوم لا تمدثونا الا بالقرآن قال فقال له
ادنه فدنا فقال أرايت لو وكلت أنت وأصمابك إلى القرآن أكنت تجد فيه صلاة الظهر أربعاً وصلاة العصر أربعاً و
المغرب ثلاثاً تقرأ في اثنتين أرايت لو وكلت أنت وأصمابك إلى القرآن أكنت تجد الطواف بالبيت سبعاً والطواف
بالصفا والمرهه ثم قال اي قوم فذوا عنا فانكم والله إن لا تفعلوا لتضلن ...

مدثنى الأوزاعي عن أيوب السفتياني انه قال إذا مدثت الرجل بالسنة فقال دعنا من هذا ومدثنا من القرآن فاعلم
انه ضال مضل .

الكفایه فی علم الروایه ، أحمد بن علی بن ثابت أبو بكر الخطیب البغدادی (متوفای 463 ، ج 1 ، ص 14 - 16 ،

ناشر : المكتبة العلمية - المدينة المنورة ، تحقیق : أبو عبدالله السورقی ، إبراهيم حمدي المدنی .

اوزاعی از محمول نقل کرده است که گفت : قرآن امتیاج بیشتری به سنت دارد تا سنت به قرآن .

و یمی بن ابی کثیر گفته : سنت قاضی بر کتاب است نه این که کتاب قاضی بر سنت باشد .

اوزاعی از مسان بن عطیه نقل کرده است که گفت :

جبرئیل قرآن را بر پیامبر (ص) نازل کرد و سنت پیامبر قرآن را تفسیر می کند .

عمران بن مصعب نشستہ بود و یارانش در کنارش بودند ، مردی از آن میان گفت : برای ما جز از قرآن نگوئید ، عمران به او گفت نزدیک بیا ، او نزدیک آمد ، سپس به او گفت : اگر از تو و یارانت بخواهند این مطلب را از قرآن پیدا کنی کہ نماز ظهر و عصر پهار رکعت و نماز مغرب سه رکعت است ، می‌توانی ؟ و یا اگر از تو و اصحابت فواسته شود کہ در قرآن نشان بده کہ طواف کعبه هفت مرتبه و سعی در صفا و مروه هفت مرتبه است، می‌توانی ؟

سپس گفت : ای مردم این مطلب را از ما یاد بگیرید کہ اگر به مدیث تمسک نکنید ، گمراه می‌شوید . اوزاعی از ایوب سمستانی نقل کرده کہ گفت : اگر دیدی کہ شفصی به سنت استناد کرد و دیگری گفت کہ برای ما از سنت نگوئید ؛ بلکه فقط از قرآن بگوئید، بدان کہ او گمراه و گمراه کننده است .

پاسخ محور دوم :

اما این کہ ابن تیمیہ می‌گوید استدلال به آیات قرآن به کمک احادیث برای اثبات ولایت امیر المؤمنین ، استدلال قرآنی نیست و اگر کسی ادعا کند کہ رسول خدا مأمور بوده کہ ولایت امیر مؤمنان را ابلاغ کند ، افترا به قرآن است ؛ زیرا قرآن به تنهایی بر آن دلالت ندارد ، در جواب می‌گوییم :

اگر استدلال به آیات قرآن به کمک احادیث ، افترا به قرآن باشد ، خود شما بارها مرتکب این گناه بزرگ شده‌اید ؛ زیرا وقتی صحبت از حدیث غار پیش می‌آید ، شما با قاطعیت آن را از فضائل بزرگ خلیفه اول دانسته و این گونه استدلال می‌کنید :

أَنَّ الْفَضِيلَةَ فِي الْغَارِ ظَاهِرَةٌ بِنَصِّ الْقُرْآنِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَمُزْنِ إِنَّ اللَّهَ مُعْتَابِرٌ» (سورة التوبة 40)

فَأَخْبَرَ الرَّسُولَ أَنَّ اللَّهَ مَعَهُ وَمَعَ صَاحِبِهِ كَمَا قَالَ لِمُوسَى وَهَارُونَ «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأُرَى» (سورة طه 46) .

فضیلت همراهی در غار ، به نص قرآن روشن است ؛ زیرا خداوند فرموده : «در آن هنگام کہ آن دو در غار بودند ، و او

به همراه خود می‌گفت : «غم مخور ! خدا با ماست !» رسول خدا فیر داده است کہ خدا با او و با همراهش

هست ؛ چنانچه خداوند به موسی و هارون فرمود : « من با شما هستم (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم !»

و در ادامه برای اثبات سخنش به روایت بخاری و مسلم استناد می‌کند :

وقد أفرجا في الصميمين من مدیث أنس عن أبي بكر الصديق رضی الله عنه قال نظرت إلى إقدام المشركين

على رؤوسنا ونمن في الغار

بخاری و مسلم در صمیمشان از آنس از ابوبکر نقل کرده‌اند کہ گفت : دیدم کہ قدم‌های مشرکین بالای سر ما است ؛

در حالی کہ ما درون غار بودیم .

و همچنین در باره آیه « وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى . الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى » (اللیل 17 و 18) به کمک احادیث ادعا می کند که این آیه در باره ابوبکر نازل شده است :

وقد ذكر غير وادم من أهل العلم أنها نزلت في قصة أبي بكر فذكر ابن جرير في تفسيره بإسناده عن عبد الله بن الزبير وغيره أنها نزلت في أبي بكر .

و كذلك ذكره ابن أبي هاتم والثعلبي أنها نزلت في أبي بكر عن عبد الله وعن سعيد بن المسيب وذكر ابن أبي هاتم في تفسيره مدتنا أبي مدتنا ..

بسیاری از دانشمندان گفته اند که این قصه در باره ابوبکر نازل شده است . ابن جریر در تفسیر خود با سندس از عبد الله بن زبیر و دیگران نقل کرده است که این آیه در باره ابوبکر نازل شده است .

و همچنین ابن ابی هاتم و ثعلبی از عبد الله و سعید بن مسیب نقل کرده اند که این آیه در باره ابوبکر نازل شده است .

منهاج السنة النبوية، أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس (متوفای 728 هـ)، ج 8، ص 495،
ناشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم .

چگونه است که فضیلت ابو بکر با آیه غار به نص قرآن ثابت می شود؛ با این که هیچ اشاره ای به نام شخصی که با رسول خدا در غار بوده در خود قرآن نشده و ابن تیمیه به کمک احادیث آن را ثابت می کند، چنین استدلالی افتراء به قرآن نیست؛ اما اگر شیعیان با استفاده از روایاتی از کتاب های اهل سنت، ثابت کنند که طبق آیه بلاغ، رسول خدا مأمور بود تا ولایت امیر مؤمنان را ابلاغ کند، افتراء به قرآن است؟!

آیا دلیلی جز عناد با امیر مؤمنان علیه السلام برای این چنین برخوردهای دوگانه ای با آیات قرآن می توان یافت؟

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)